

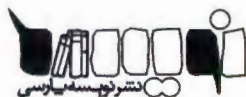
شعر

مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی

4th National Conference on
Morphology

دارای درجه علمی - پژوهشی

به کوشش
شهرام مدرس خیابانی و فریبا قطره



مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی



به کوشش

شهرام مدرس خیابانی
فربیا قطره



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



همایش ملی صرف (چهارمین : ۱۳۹۵ : تهران)
مجموعه مقالات سومین چهارمین همایش ملی صرف / برگزارکننده انجمن زبان‌شناسی
ایران، با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: به کوشش شهرام

مدرس خیابانی و فریبا قلمره

تهران : نشر توبه پاریسی، ۱۳۹۵.

۲۰۰ ص: مصور، جدول، نمودار.

مجموعه مقالات هم‌اندیشی‌ها: ۳۲.

هم‌اندیشی‌های انجمن زبان‌شناسی ایران: ۸.

۹۷۸-۶۰۰-۷۰۳۰-۴۰۰۰

فیبا

فارسی -- صرف -- کنگره‌ها

قلمره، فریبا، ۱۳۵۲ - ، گردآورنده

مدرس خیابانی، شهرام، ۱۳۵۲ - ، گردآورنده

انجمن زبان‌شناسی ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

الف ۱۳۹۵ / کت ۲ / ۲۵۷۲

۲۴۱۵

۳۰۵۵۳۹۰

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعیت فهرست نویسی

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی



مجموعه مقالات

چهارمین همایش ملی صرف

به کوشش: شهرام مدرس خیابانی / فریبا قطره / ویراستار: ذلیخا عظیم‌دخت

طراح جلد، گرافیک، صفحه‌آرایی و ناظر فنی چاپ: محمد محرابی

www.mehraabi.com / 091251693545

ناشر: نشر نویسه پاریس

دفتر انتشارات: ۰۲۱-۷۷۰۵۳۲۴۶

فروشگاه: ۰۲۱-۶۶۹۵۷۱۳۲

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۴۵۵۴۵۵۴۱۴۲

وبگاه: www.neveeseh.com

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۳۰۰۴۰۰۰

چاپ و صحافی: روز

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به «نشر نویسه پاریس» است.

تکثیر و انتشار این اثر با قسمتی از آن به هر شیوه، بدون مجوز قبلی و کتبی

ممنوع و مورد پیگیری قانونی قرار خواهد گرفت.



دارای درجه علمی - پژوهشی نمایه شده در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

دارای درجه علمی - پژوهشی، براساس بند ۱ ماده ۲ آیین‌نامه نحوه برگزاری و ساماندهی

همایش‌های علمی ابلاغیه شماره ۱۶۸۲۱۶/۲ مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۱ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.



نشر نویسه پاریس



نشر نویسه پاریس

مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی صرف

برگزارکننده

انجمن زبان‌شناسی ایران

باهمکاری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

نشر نویسه پارسی

سازمان همایش

دکتر شهرام مدرس خیابانی دبیر علمی

دکتر فریبا قطره دبیر علمی

دلیخا عظیم‌دخت دبیر اجرایی

کمیته علمی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی	دکتر ویدا شقاقی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	دکتر مصطفی عاصی
عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا	دکتر مهرداد نغزگوی کهن
عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان	دکتر عادل رفیعی
عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا (س)	دکتر آریتا عباسی
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال	دکتر نازنین امیرارجمندی
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج	دکتر شهرام مدرس خیابانی
عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا (س)	دکتر فریبا قطره

هیئت داوران

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی	دکتر ویدا شقاقی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	دکتر مصطفی عاصی
عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا	دکتر مهرداد نغزگوی کهن
عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان	دکتر عادل رفیعی
عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا (س)	دکتر آریتا عباسی
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال	دکتر نازنین امیرارجمندی
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج	دکتر شهرام مدرس خیابانی
عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا (س)	دکتر فریبا قطره

کمیته اجرایی

زهرا ابراهیم بانکی

سهیلا ایزدی

سلیمه زمانی

مهسا فتحعلی

مریم محمدی

ریحانه منظوری

طاهره همتی

فهرست مطالب

-
- | | |
|-----|--|
| ۹ | پیشگفتار |
| ۱۳ | انضمام در زبان کردی سورانی
شاهین احمدی شاد، یادگار کریمی |
| ۳۵ | بررسی پسوند «گر» فارسی در چارچوب ساختواژه‌شناسی
پارسا بامشادی، شادی انصاریان |
| ۵۷ | اسم‌های مرکب برون‌مرکز به‌عنوان آمیزه‌های مفهومی
تک‌ساختی
معصومه دیبانی، حدائق رضائی، عادل رفیعی |
| ۸۱ | حالت‌نمایی صفر در فارسی
مهدی سبزواری |
| ۹۹ | بازنمایی مشخصه‌های صرفی-نحوی فعل در گویش لری
بالاگریوه
آرزو سلیمانی، فریبا قطره |
| ۱۲۳ | طرح‌واره‌ها در صرف ساخت‌محور: الگویی برای واژه‌سازی
شهره صادقی |
| ۱۴۳ | واژه‌های مرکب مختوم به ستاک حال ازمنظر صرف ساختی:
مورد [x-یاب]
ذلیخا عظیم‌دخت، عادل رفیعی |
| ۱۷۱ | بررسی ساختار اسم‌های دارای ساختار «اسم _۱ (و)اسم _۲ » در زبان
فارسی براساس نظریه آمیزش مفهومی
فریبا قطره، مینا قندهاری |
| ۱۹۱ | چکیده انگلیسی مقالات |

نگاهی به دستور سنتی که در آن طبقه‌بندی مقولات کلام و بررسی حالت‌های دستوری واژه‌ها جایگاهی ویژه دارد تا دستور زایشی که در آن واژگان یکی از حوزه‌های مستقل دستور شمرده می‌شود، بیانگر توجه ویژه دستورنویسان و زبان‌شناسان به حوزه صرف است. وجود ویژگی‌های متنوع واژگانی در زبان‌های مختلف و در پی آن شکل‌گیری نظریه‌های متعدد صرفی، گستره این شاخه از زبان‌شناسی را بیش از پیش نمایان می‌سازد؛ این گستره به نگرشی نسبتاً نوین در زبان‌شناسی یعنی زبان‌شناسی شناختی، نیز کشیده می‌شود و صرف شناختی دریچه‌ای نو در پژوهش‌های زبان‌شناختی می‌گشاید. در این میان بهره‌گیری از دستاوردهای زبان‌شناسی رایانشی، و به‌ویژه زبان‌شناسی پیکره‌ای و استفاده از داده‌های کمی، شرایط را برای تأیید نظریه‌های صرفی فراهم می‌کند. سرعت پیشرفت در این حوزه علمی به‌حدی است که برگزاری دائمی همایش‌های علمی تخصصی را برای ارائه دستاوردها و تبادل نظر صاحب‌نظران، ضروری می‌نماید.

انجمن زبان‌شناسی ایران، نهادی پیشرو در برگزاری همایش‌های تخصصی زبان‌شناسی، این افتخار را دارد تا پس از برگزاری موفق سه همایش ملی در حوزه صرف، برای چهارمین بار برگزارکننده «همایش ملی صرف» با محوریت «نظریه‌های صرفی نوین در زبان‌های ایرانی» باشد.

به‌منظور بالا بردن سطح کیفی و ارزیابی دقیق مقاله‌ها، شورایی علمی متشکل از دبیران علمی همایش و تنی چند از استادان برجسته حوزه صرف در دانشگاه‌های کشور تشکیل گردید. تا پایان وقت مقرر ۳۲ مقاله به دبیرخانه انجمن ارسال شد و پس از بررسی حوزه تخصصی هر مقاله، مقاله‌ها برای اعضای شورای علمی ارسال شد. با نظر شورای علمی، تعداد ۸ مقاله، به‌دلیل همسویی با محورهای اصلی همایش، برای ارائه به‌صورت سخنرانی و چاپ در مجموعه مقالات حاضر انتخاب شد. تعداد ۱۱ مقاله نیز برای ارائه

به صورت پوستر پذیرفته شد؛ ویژگی این مقاله‌ها توصیف و طبقه‌بندی یک ویژگی صرفی یا معرفی نظریه صرفی جدید است. لازم به ذکر است که برخی مقاله‌ها از کیفیت بسیار مناسبی برخوردار بوده است؛ اما به دلیل همسو نبودن با محورهای اصلی همایش، توسط شورای علمی در اولویت قرار نگرفت. تعداد اندکی از مقاله‌ها نیز به دلیل رعایت نکردن الگوهای نگارشی انجمن، ناقص بودن مقاله یا تکراری بودن موضوع، انتخاب نشد.

در اینجا لازم است که از همهٔ سازمان‌ها و افرادی که در برگزاری منظم این همایش یاریگرمان بوده‌اند قدردانی کنیم. همچون گذشته، از ریاست و کارکنان محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، یار همیشگی انجمن زبان‌شناسی ایران و همچنین از مسئولان محترم نشر نویسهٔ پارسی، ناشر انجمن زبان‌شناسی ایران و مجموعه مقالات حاضر، به ویژه جناب آقای امیر احمدی که نقشی مهم در برگزاری این همایش داشته‌اند، کمال سپاس و قدردانی را داریم. از پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نیز که با نمایه‌سازی مجموعه مقالات همایش، اعتباری ویژه به آن بخشیده است، تشکر می‌کنیم.

از اعضای محترم شورای علمی همایش، استادان گرانقدر، جناب آقای دکتر مصطفی عاصی، جناب آقای دکتر مهرداد نغزگوی کهن، سرکار خانم دکتر آریتا عباسی، سرکار خانم دکتر نازنین امیرارجمندی و جناب آقای دکتر عادل رفیعی که با بررسی عالمانهٔ خود مقاله‌ها را مورد ارزیابی دقیق قرار دادند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌کنیم.

همچنین، از اعضای محترم هیئت مدیرهٔ انجمن زبان‌شناسی ایران، به خصوص ریاست محترم انجمن، سرکار خانم دکتر بلقیس روشن و معاونت محترم اجرایی، سرکار خانم دکتر فاطمه عظیمی‌فرد و همچنین از اعضای محترم شورای اجرایی همایش سرکار خانم زهرا ابراهیم بانکی، سرکار خانم سهیلا ایزدی، سرکار خانم سلیمه زمانی، سرکار خانم مهسا فتحعلی، سرکار

خانم مریم محمدی، سرکار خانم ریحانه منظوری و سرکار خانم طاهره همتی به‌خاطر همکاری دلسوزانه در اجرای منظم همایش‌های انجمن زبان‌شناسی ایران، خالصانه تشکر می‌کنیم.

از سرکار خانم ذلیخا عظیم‌دخت، دبیر محترم اجرایی چهارمین همایش ملی صرف، به‌خاطر برنامه‌ریزی دقیق و پیگیری منظم برنامه‌ها، هماهنگی دائمی امور با اعضای شورای علمی و اجرایی و نویسندگان مقالات، از آغاز تا پایان راه، کمال سپاس و قدردانی را داریم.

و در پایان، در مقابل همیشه‌استادمان، سرکار خانم دکتر ویدا شقاقی، به پاس ارزیابی دقیق همه مقالات همایش، به پاس هر آنچه از ایشان آموختیم و خواهیم آموخت و به پاس لطفی که همیشه به ما، همیشه‌شاگردانشان، داشته‌اند، سر تعظیم فرود می‌آوریم و به ایشان می‌گوییم که برگزاری موفق این همایش تنها با رهنمودهای عالمانه ایشان امکان‌پذیر بود.

دکتر شهرام مدرس خیابانی و دکتر فریبا قطره

دبیران علمی چهارمین همایش ملی صرف

انجمن زبان‌شناسی ایران

۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۹۵

انضمام در زبان کردی گویش سورانی

شاهین احمدی شاد^۱

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

سنندج

یادگار کریمی^۲

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه کردستان

چکیده

این پژوهش به بررسی فرایند انضمام در زبان کردی براساس دیدگاه صرفی میتون (۱۹۸۴)، دبیرمقدم (۱۳۷۶) و همچنین شقاقی (۱۳۸۶) پرداخته است. انضمام یکی از فرایندهای واژه‌سازی در زبان کردی است که هسته اسمی که موضوع درونی فعل می‌باشد به هسته فعل واژگانی منضم می‌شود و باعث تشکیل یک فعل انضمامی می‌گردد. همچنین، استدلال شده است از آنجاکه زبان کردی، زبانی تصریفی و ضمیرانداز است، موضوع‌های درونی و بیرونی در صورت حذف گروه‌های اسمی می‌توانند به صورت وند و واژه‌بست بر روی فعل تظاهر یابند؛ واژه‌بست‌ها در زبان کردی نقش بسیار مهمی در ابراز نقش‌های معنایی برعهده دارند و همچنین موضوع‌های درونی و بیرونی فعل می‌توانند از طریق واژه‌بست بر روی فعل تجلی یابند. بررسی داده‌های زبان کردی که از پیکره زبان کردی برخط دانشگاه کردستان^۳ دارای ۶۹۰۰۰ سند متنی برگرفته شده است، نشان داد که رویکرد نحوی نحوی نمی‌تواند توجیه درستی از انضمام در زبان کردی به دست دهد؛ در زبان کردی می‌توان نمونه‌هایی از انضمام فاعل به فعل پیدا کرد که برطبق رویکرد نحوی غیرقابل توجیه است؛ زیرا حرکت فاعل به سمت فعل قاعده ECP (اصل مقوله تهی)

^۱ sh_ahmadi_@yahoo.com

^۲ Y. karimi@uok.ac.ir

^۳ <http://kurdish-corporus.uok.ac.ir>

را نقض می‌کند؛ یعنی فاعل منضم شده به فعل بر رد خود حاکمیت ندارد. بنابراین، شایسته است که انضمام فعل در زبان کردی را صرفی لحاظ کنیم.

کلیدواژه‌ها: انضمام (incorporation)، رویکرد صرفی (morphological approach)، موضوع (argument)، ساختار موضوعی (argument structure)، زبان کردی (Kurdish language)

۱. مقدمه

در کنار زبان فارسی، زبان کردی یکی از زبان‌های گروه ایرانی نو است که بسیاری از ویژگی‌های صرفی، نحوی، واجی و معنایی آن ناشناخته مانده و یا در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. پژوهش پیشنهادی حاضر درصدد بررسی فرایند انضمام در زبان کردی است

انضمام یکی از فرایندهای زبانی می‌باشد که با چارچوب‌های مختلفی در سال‌های اخیر در کانون توجه بوده است. یکی از دلایل اصلی توجه به این پدیده، قرارگرفتن آن در مرز نحو و ساختواژه است. به‌همین دلیل بیکر^۱ (۱۹۸۸) آن را فرایندی نحوی می‌داند و معتقد است که به‌صورت حرکت نحوی هسته گروه اسمی به سمت فعل بر حسب حرکت α -move است. درواقع، یک مقوله واژگانی با از دست‌دادن وابسته‌های خود به هسته یک عبارت فعلی منضم می‌گردد. ازسوی دیگر، میتون^۲ (۱۹۸۴) آن را ساختواژی تلقی می‌کند و چهار نوع انضمام را با درجات زیایبی مختلف شناسایی می‌کند. یکی از این چهار نوع موردتوجه این پژوهش می‌باشد. فرایند انضمام اسم، فرایندی است که در آن یک اسم، که معمولاً موضوع درونی فعل متعدی است، به فعل منضم می‌شود تا یک واحد واژگانی انضمامی، که معنای مشخصی دارد، خلق کند مشروط به اینکه فعل حاصل، دارای معنای ترکیبی

¹ M. Baker

² M. Mithun

شفاف و عنصر اسمی آن فاقد هرگونه وابسته دستوری و وصفی باشد و عنصر فعلی آن به‌لحاظ معنایی تغییر نیافته باشد (دبیرمقدم ۱۳۷۶: ۱۸۰-۱۸۱).

در این پژوهش، در قسمت اول مقدمه به ضرورت انجام این پژوهش در زبان کردی و همچنین تعریف انضمام پرداخته شده است در بخش دوم به پژوهش‌های انجام‌گرفته ازسوی زبان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی و نتایج آن‌ها اشاره می‌شود. در بخش سوم، چارچوب‌های صرفی این پژوهش که شامل میتون (۱۹۸۴)، دبیرمقدم (۱۳۷۶) و شقاقی (۱۳۸۶) است، معرفی می‌شوند. در بخش پایانی، داده‌های زبان کردی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و نشان داده می‌شود که این داده‌ها براساس رویکرد صرفی دارای توجیه بهتری در مقایسه با رویکرد نحوی هستند. در بخش دیگری به آزمون‌هایی برای تمایزگذاشتن بین ترکیب و انضمام اشاره می‌شود و این آزمون‌ها بر داده‌های کردی اعمال می‌شوند. در پاره‌ای از موارد آزمون‌ها به‌درستی نمی‌توانند داده‌های زبان کردی را تبیین نمایند و توضیح بدهند.

۲. پیشینه پژوهش

ارکان (۱۳۸۵) انضمام را منضم‌شدن یک اسم به فعل متعدی برای ساخت یک واحد واژگانی با معنای مشخص می‌داند. از نظر وی اسم منضم‌شده عموماً موضوع درونی فعل است؛ اما انضمام موضوع بیرونی و نیز عناصر غیرموضوع ازجمله قید در زبان فارسی نیز وجود دارد. در صورتی که اسم منضم‌شده هرگونه وابسته ازجمله صفت یا تکواژ جمع بپذیرد، دیگر نمی‌توان آن را انضمام دانست. نکته قابل‌تأمل در این مقاله، قائل‌شدن به وجود هم فعل لازم و هم فعل متعدی انضمامی نظیر پاداش‌دادن، فتوی‌دادن، جاروکشیدن است او این افعال را لازم می‌داند چراکه در الگوی «او+ فعل انضمامی» به‌کار می‌روند؛ مانند «او وام گرفت». اما ازسویی این افعال می‌توانند مفعول دومی را نیز به‌کار بگیرند؛ مانند «او یک میلیون تومان وام گرفت».

شقاکی (۱۳۸۶) به بررسی انضمام اسم به فعل و ساخت فعل مرکب انضمامی پرداخته است. وی پیکره‌ای از ۲۵۴ فعل لازم انضمامی و ۶۴ فعل متعدی انضمامی را در زبان فارسی مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در فعل‌های مرکب ترکیبی، انواع اسم، صفت و قید در کنار فعل مرکب قرار می‌گیرند. اما در اغلب فعل‌های انضمامی، عنصر غیرفعلی قبل از منضم‌شدن به فعل، نقش مفعول را به‌عهده داشته است. همچنین، اشاره شده است که اسم منضم‌شده ویژگی‌های معنایی خود را حفظ نموده است؛ یعنی معنای فعل‌های انضمامی شفاف‌تر از فعل‌های مرکب است. در پایان این‌گونه نتیجه‌گیری شده است که فرایند انضمام در زبان فارسی قبل از نحو، در صرف عمل می‌کند.

بیکر (۱۹۸۸) با بررسی پدیده انضمام در زبان موهاک^۱ رویکردی نحوی برای تبیین آن را در پیش گرفته است و آن را نوعی حرکت هسته (اسم، صفت، حرف‌افزافه) به هسته (فعل)، یعنی از جایگاه موضوع^۲ به فعل حاکم بدون نقض اصل مقوله تهی و عملگر بر مقوله‌های واژگانی را در ایجاد فرایند انضمام دخیل می‌داند. بر مبنای این دیدگاه نحوی، انضمام فقط از جایگاه مفعول صریح انجام شده است و به دلیل نقض اصل مقوله تهی، دیگر جایگاه‌ها قادر به حرکت و انضمام به فعل نخواهند بود. از جمله دلایلی که وی برای نحوی‌بودن فرایند انضمام برمی‌شمارد یکی یکسانی روابط معنایی میان مفعول و نیز دیگر موضوع‌های فعل با اجزای تشکیل‌دهنده ترکیب انضمامی و دیگری زایایی بالای این فرایند است. از نظر او انضمام اسم با فعل به این ترتیب تنها منجر به ایجاد فعل می‌گردد.

روزن^۳ (۱۹۸۹: ۲۹۵-۲۹۴) انضمام را به‌طور کلی، انضمام مفعول مستقیم به فعل می‌داند و اشاره می‌کند که فاعل فقط در فعل‌های غیرسببی به فعل

^۱ Mohawk

^۲ A-position

^۳ S. Rosen

منضم می‌گردد. همچنین، وی فاعل افعال غیرسببی را به‌عنوان مفعول مستقیم زیرساختی فعل می‌پندارد. یکی دیگر از یافته‌های این مقاله بر تفاوت موضوع درونی و بیرونی تکیه دارد و بیان می‌دارد که موضوع‌های بیرونی هرگز منضم نمی‌شوند. روزن انضمام را پدیده‌ای واژگانی می‌داند و بر آن است که ترکیب اسم و فعل نه در نحو و از طریق حرکت نحوی، بلکه در واژگان شکل می‌گیرد. از نظر او دو نوع انضمام در زبان‌ها وجود دارد: در نوع نخست ساخت موضوعی فعل مستقیماً با موضوع در واژگان اقناع نمی‌شود. در نتیجه، فعل متعدی همچنان متعدی باقی می‌ماند. در نوع دوم ترکیب واژگانی می‌تواند موضوع درونی فعلی را برآورده سازد و با کاستن از ظرفیت فعلی و ساخت موضوعی، آن را به فعلی لازم بدل نماید. وی انضمام نوع نخست را طبقه‌بندی^۱ می‌خواند و رویکرد نحوی به انضمام را موجه نمی‌داند.

آلسیو^۲ (۲۰۰۹) انضمام را یک فرایند نحوی- ساختواژی محسوب می‌کند که در آن یک جزء اسمی با یک جزء فعلی ترکیب می‌شود و یک ستاک مرکب فعلی می‌سازد. او فرایند انضمام را از سه نقطه نظر موردبررسی قرار می‌دهد. در وهله اول، آن را یک تناوب جهتی^۳، موقیت گروه اسمی نسبت به جایگاه آن در پیش و یا پس‌فعلی، می‌داند که در آن اسم منضم‌شده XP (پیش‌فعلی) با X^o (پس‌فعلی) متمایز است. دومین نقطه‌نظر، تناوب مجاورتی^۴ است که اسامی منضم‌شده از نظر فاصله آنها از فعلی که به آن منضم می‌شوند متفاوت می‌باشند. نهایتاً به دوگانگی آزاد و مقید^۵ اشاره می‌کند که در آن امکان و عدم‌امکان قرارگرفتن عنصر منضم‌شده در برابر عضو غیرمنضم موردبررسی قرار می‌گیرد.

¹ classification

² M. Alessio

³ directionality alternation

⁴ adjacency alternation

⁵ free vs. bound dichotomy

لیبر^۱ (۲۰۱۰: ۱۴۹) به تعریف انضمام به‌مثابه فرایند تعامل صرف با ساخت موضوعی فعل می‌پردازد؛ انضمام اسم را تشکیل واژه مرکب از طریق پیوستن مفعول یا دیگر موضوع‌های فعل به پایه فعلی به‌ویژه در زبان‌های بساترکیبی^۲ می‌داند. وی با زیرسؤال بردن فرضیه انسجام واژگانی^۳ ترکیب‌های گروهی نظیر موارد زیر در انگلیسی را نه کاملاً صرفی و نه کاملاً نحوی ارزیابی می‌کند:

- a. stuff-blowing-up effects
- b. bikini-girls-in-trouble genre
- c. God-is-dead theology

یانگ^۴ (۲۰۱۴) انضمام را در زبان کره‌ای بررسی و اشاره می‌کند که در زبان کره‌ای یکسری از *sunrise-type* (*hæ-tot-i*) وجود دارند که می‌توان آنها را فرایندهای صرفی-نحوی دانست و محدودیت‌های نحوی و معنایی باعث بهینه‌شدن فرایند انضمام در کره‌ای می‌شود. وی محدودیت‌هایی که بر انضمام زبان کره‌ای اعمال می‌شود را به دو دسته تقسیم می‌کند: از نظر نحوی، انضمام زبان کره‌ای از محدودیت حرکت هسته پیروی می‌کند، درحالی‌که از نظر معنایی اسم‌هایی که دارای نقش معنایی پذیرا می‌باشند منضم می‌گردند.

۳. چارچوب نظری

به‌طورکلی فرایند انضمام اسم را با دو رویکرد صرفی و نحوی تبیین می‌کنند. رویکرد نحوی، که مورد توجه این پژوهش نیست، بر مبنای حرکت نحوی هسته اسمی به سمت فعل برحسب حرکت α -move است. در واقع، یک مقوله واژگانی با ازدست‌دادن وابسته‌های خود به هسته یک عبارت فعلی

^۱ R. Lieber

^۲ polysynthetic

^۳ lexical cohesion hypothesis

^۴ M. S. Yang

منضم می‌گردد. در پژوهش حاضر سعی بر آن است که فرایند انضمام در زبان کردی براساس دیدگاه صرفی میتون (۱۹۸۴)، دبیرمقدم (۱۳۷۶) و همچنین شقاقی (۱۳۸۶) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار بگیرد.

۱.۳. میتون (۱۹۸۴)

میتون (۱۹۸۴) در زبان‌های دنیا چهار نوع انضمام با زایایی گوناگون را شناسایی می‌کند:

در نوع نخست که آن را «ترکیب واژگانی»^۱ می‌خواند، اسم در ترکیب با فعل باعث ایجاد فعل جدیدی می‌شود. اسم منضم می‌تواند رابطه معنایی تتایی همچون پذیرنده، مکان، ابزار با فعل داشته یا شیوه عمل آن را نشان دهد. این اسم فاقد نشانه معرفگی و شمار و نیز غیرارجاعی است. در این نوع انضمام، ظرفیت فعل کاهش می‌یابد، ساخت موضوعی تغییر می‌کند و فعل به لازم بدل می‌شود. درواقع، مفعول مستقیم و ویژگی‌های دستوری خود را از دست می‌دهد و با فعل متعدی منضم می‌شود و فعل حاصل را منضم می‌کند. (همان: ۸۴۸) به‌عنوان مثال، می‌توان در زبان کردی فعل «چیشت خواردن» به معنای «غذاخوردن»، را مثال زد.

در نوع دوم نیز که همانند نوع نخست است، یک فعل متعدی با مفعول صریح خود ترکیب می‌شود؛ اما گذرایی^۲ آن تغییری نمی‌کند. در این نوع از انضمام، ساخت موضوعی بدون کاهش ظرفیت فعل دستخوش تغییر می‌شود، یک موضوع غیرفاعلی^۳ جایگاه مفعول صریح را اشغال می‌کند. به‌عبارت دیگر، در این نوع انضمام فعل متعدی باقی می‌ماند (۱۹۸۴: ۸۵۶). در زبان کردی، می‌توان به فعل «گزرگ داین» یعنی «جاروزدن»، اشاره نمود.

^۱ lexical compounding

^۲ transitivity

^۳ oblique

در نوع سوم انضمام، همچون آنچه در زبان‌های بساترکیبی دیده می‌شود، فعل انضمامی دارای یک وند ضمیری ناظر به فاعل یا مفعول (عامل یا پذیرا) است. این نوع انضمام کاربرد صوری ساختار گفتمان^۱ می‌باشد. زبان‌هایی که انضمام نوع اول و دوم را داشته باشند، انضمام نوع سوم را نیز نشان می‌دهند که در آن انضمام اسم می‌تواند اطلاعات کهنه و جدید را عرضه نماید. آرایش سازه‌ها در این زبان‌ها و در یک جمله براساس اهمیت آنها در گفتمان چیده می‌شوند و اطلاعات جدید معمولاً در ابتدای جمله ظاهر می‌شوند (همان: ۸۵۹).

در نوع چهارم انضمام که در زبان‌های بومی امریکا دیده می‌شود، ترکیب ستاک اسم به فعل باعث تحدید سیطره آن می‌گردد. ارکان (۱۳۸۵) این نوع انضمام را انضمام اسم طبقه‌ای^۲ می‌نامد و می‌افزاید که در این نوع انضمام یک ستاک اسمی به فعل منضم می‌گردد تا سیطره یا دامنه^۳ فعل را محدود سازد. اما ستاک مرکب با یک گروه اسمی خاص‌تر^۴ همراه است. به‌طوری‌که هویت اسم منضم‌شده را تعیین می‌کند و پس از تعیین هویتش، این اسم عام و منضم به همراه فعل، می‌تواند بدون همراهی گروه اسمی بیرونی در بخش‌های بعدی گفتمان ظاهر شود (میتون، ۱۹۸۴: ۸۶۴). مثال‌هایی در باب انضمام نوع سوم و چهارم را می‌توان در زبان سرخپوستی پیدا کرد.

از نظر میتون اسم منضم واجد نقش تتا، اما فاقد حالت است؛ زیرا نقش نحوی مستقلی در جمله به‌عهده ندارد. از این‌رو، وی انضمام را در تمام زبان‌های دنیا فرایندی ساختوازی ولی دارای معادل نحوی می‌داند. به‌نظر او

^۱ the manipulation of discourse structure

^۲ classificatory noun incorporation

^۳ scope

^۴ more specific external NP

این ساختواژی شدن^۱ باید نقشمند باشد. از این رو برای آن نقشی متفاوت از جفت غیرانضمامی نحوی اش قائل است (دبیرمقدم، ۱۳۷۶: ۵-۶).

۲.۳. دبیرمقدم (۱۳۷۶)

دبیرمقدم (۱۳۷۶) در مقاله خود با عنوان «فعل مرکب در زبان فارسی»، با جداسازی فرایند ترکیب از انضمام در افعال مرکب زبان فارسی و نیز با اشاره به مقاله اسپنسر^۲ (۱۹۹۵) درباره انضمام در زبان چوکچی^۳، معیارهای چندی را برای تشخیص انضمام در زبان فارسی به دست داده و آن را شامل انضمام مفعول صریح و گروه حرف اضافه‌ای دانسته است.

طبق تحلیل دبیرمقدم (۱۳۷۶) برخلاف تحلیل نحوی در انضمام، یک اسم و نه یک گروه اسمی که اسم جنس، غیرارجاعی و غیرمستقل باشد به فعل منضم می‌شود، باعث کاهش ظرفیت فعل و تغییر ساخت موضوعی آن می‌گردد. در نتیجه، باتوجه به رده‌بندی میتون (۱۹۸۴) زبان فارسی دارای نوع اول انضمام خواهد بود. وی انضمام را دارای یک جفت غیرانضمامی می‌داند، برون داد آن را درون داد فرایند واژه‌سازی در نظر می‌گیرد؛ همچون «کتاب‌فروشی». وی بر آن است که این فرایند زایا فقط فعل مرکب لازمی می‌سازد که هویت واژگانی و شفافیت معنایی خود را حفظ می‌کند. در حالی که در ترکیب با گسترش استعاری روبه‌رو هستیم.

۳.۳. شقاقی (۱۳۸۶)

شقاقی (۱۳۸۶) به بررسی فرایند انضمام در زبان فارسی پرداخته است و آن را یکی از فرایندهای واژه‌سازی در زبان فارسی برمی‌شمرد. همچنین، وی به وجوه تمایز فعل مرکب انضمامی از گروه فعلی پرداخته است و آزمون‌هایی

^۱ morphologization

^۲ A. Spencer

^۳ Chukchi

برای تشخیص آنها ارائه داده است. در تعریف انضمام آمده است که انضمام نوعی ساخت صرفی است و آن ساختی متشکل از فعل، اسم، حرف اضافه و فعل حاکم بر آنها می‌باشد.

شقایقی (همان: ۱۸-۱۷) ویژگی‌های فرایند انضمام را به شرح زیر برمی‌گزیند:

۱. اسم (یکی از موضوع‌های فعل متعدی) به فعل منضم می‌شود و از تعداد موضوع‌های آن کاسته می‌گردد.
۲. اسم منضم فاقد هرگونه نشانه دستوری از قبیل تعیین‌کننده حالت^۱ و غیره است.
۳. اسم منضم‌شده معمولاً اسم جنس و از نظر ارجاعی نامشخص است.
۴. ساخت انضمامی قابل گسترش است.
۵. هر ساخت انضمامی دارای یک جفت غیرانضمامی یا نحوی است.
۶. فرایند انضمام فعل لازم می‌سازد.
۷. اسم منضم‌شده به فعل نقش تتایی دارد.
۸. فعل انضمامی، هویت واژگانی شفاف دارد.
۹. فرایند انضمام زایاست.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴.۱. ساختارهای نحوی زبان کردی سورانی

پیش از بررسی داده‌های جمع‌آوری‌شده، ذکر این نکته لازم است که از نظر هیگ^۲ (۲۰۰۴:۲۲۳) برای شناخت ساختارهای نحوی زبان کردی سورانی باید ضمایر و انواع آن، به‌ویژه ضمایر متصل را به‌دقت شناسایی کرد؛ زیرا ضمایر متصل در این زبان به‌عنوان سازه‌های اسمی به‌کار می‌روند.

¹ case assigner

² G. Haig

به‌طور کلی، ضمائر متصل به دو گروه وندهای فاعلی و واژه‌بست‌های غیرفاعلی تقسیم می‌شوند. وندهای فاعلی به‌عنوان شناسه فاعلی در افعال متعدی زمان حال و شناسه فاعلی در افعال لازم زمان‌های حال و گذشته ایفای نقش می‌کنند و واژه‌بست‌های غیرفاعلی به‌مثابه مفعول مستقیم و غیرمستقیم در افعال متعدی زمان حال، فاعل افعال متعدی گذشته و مفعول افعال متعدی گذشته و همچنین به‌عنوان ضمائر ملکی به‌کار می‌روند. به‌طور کلی در زبان کردی، فعل مرکب به فعلی گفته می‌شود که از یک بخش غیرفعلی و یک بخش فعلی ساخته می‌شود؛ به‌عنوان مثال، *ter-kerden* (سیرکردن) که در آن فعل *kerden* فعل سبک است و شناسه‌ها در زبان کردی باعث تصریف آن می‌شوند. در زبان کردی و در فعل‌های مرکب، جزء فعلی دارای معنی می‌باشد و نکته حائز اهمیت این است که موضوع‌ها نقش خود را از عنصر غیرفعلی فعل مرکب دریافت می‌کنند.

موضوع‌های درونی و بیرونی در صورت حذف گروه‌های اسمی می‌توانند به‌صورت وند و واژه‌بست بر روی فعل تظاهر یابند و از آنجاکه زبان کردی زبانی تصریفی و ضمیرانداز^۱ است، واژه‌بست‌ها نقش بسیار مهمی در ابراز نقش‌های معنایی برعهده دارند. موضوع‌های درونی و بیرونی فعل می‌توانند از طریق واژه‌بست بر روی فعل تجلی یابند. در افعال مرکب متعدی در زبان کردی و در زمان گذشته، خوشه واژه‌بستی^۲ به بخش واژگانی فعل مرکب منضم می‌شود. اما در زمان حال خوشه واژه‌بستی وجود ندارد و تصریف به‌وسیله وندهای فاعلی صورت می‌گیرد و واژه‌بستی که در نقش موضوع است به بخش واژگانی فعل مرکب منضم می‌شود (شهادی، ۱۳۹۲)

1. *ewa nišan-i-tan da.*

You show-3rd-SG.OBL-2nd.PL.OBL give.past

«شما نشونش دادید»

¹ pro-drop

² clitic cluster

2. ewa nišan-i a-in

You show-3rd.SG.OBL give.press-3rd.PL.NOM

«شما نشونش می‌دید»

باتوجه به مطالب گفته شده، تشکیل فعل مرکب از طریق انضمام برطبق قاعده واژه‌سازی می‌تواند زایا و به لحاظ معنایی، شفاف باشد. همتای نحوی افعال انضمامی، سازه اسمی را به عنوان مفعول استفاده می‌کند تا ساختار موضوعی خود را ارضا نماید. این سازه اسمی می‌تواند با یک صفت، واژه بست، نشانه معرفه و جمع توصیف گردد.

3. a. Sarokkomâr Pešneâr-i dâ.

President suggestion-3rd.SG.OBL give-past

«رئیس‌جمهور پیشنهاد داد»

b. sarokkomâr pišnear a-dâ.

President suggestion Asp-give.Press

«رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌دهد»

4. a. Zârâ gazara-i lem kešâ

Zahra tongue-3rd.SG.OBL From me draw-past

«زهرا به من زبان درازی کرد»

b. Zârâ xerâp gazâra a-keše

Zahra strongly tongue Asp-draw-press

«زهرا بدجور زبان درازی می‌کند»

همان‌طور که در مثال‌های ۳ و ۴ مشاهده می‌شود، فعل انضمامی «پیشنهاد دادن» *Pišnear dan* و «زبان‌درازی کردن» *gazara kešan* در زمان گذشته دارای واژه‌بست «i» است؛ ولی در زمان حال این واژه‌بست تظاهر آوایی ندارد. در زبان کردی و در زمان حال، خوشه واژه‌بستی وجود ندارد و تصریف به وسیله وندهای فاعلی صورت می‌گیرد و واژه‌بستی که در نقش موضوع است به بخش واژگانی فعل مرکب منضم می‌شود.

یکی از مواردی که باید در نظر گرفت این است که افعال انضمامی دارای یک هسته اسمی N^0 و یک هسته فعلی V^0 که خود این ترکیب با در نظر داشتن چند تغییر آوایی می‌تواند پایه واژه‌سازی قرار گیرد و در فرایند واژه‌سازی شرکت نماید. در فرایند فعل مرکب‌سازی در زبان کردی، اگر قرار بر این باشد که خود فعل مرکب هم‌زمان از فرایند انضمام و ترکیب استفاده کرده باشد، اول اشتقاق ترکیب انجام می‌گیرد و سپس اسم منضم‌شده به این اشتقاق اضافه می‌گردد. لازم به ذکر است که انضمام اسم به فعل مرکب در زبان کردی زایا است. به‌عنوان مثال:

5. a. La Senna, dast xazoora mâc a-kan.

In Sanadaj, hand father-in-law kiss Asp-do.press

«در سنندج، دست پدرخانم را ماچ می‌کنند»

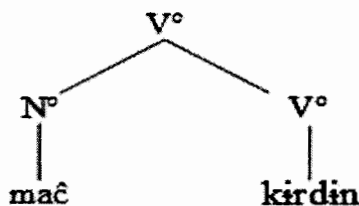
b. zâwâ êu bo dast mâc kerdin.

groom go.past to hand kiss do.past

«داماد رفت برای دست‌بوسی»

در اولین مرحله اشتقاق، فعل مرکب *mâc kerdin* به معنای بوس کردن،

ترکیب می‌شود.



نمودار ۱. ترکیب فعل *mâc kerdin*

در مرحله بعدی اسم *dast* به این فعل مرکب منضم می‌شود.